



جان برجر

ترجمہ
فیروزہ مهاجر

دربارہی نگریستن

۹	درباره‌ی نویسنده
	چرا به حیوانات نگاه کنیم؟
۱۳	چرا به حیوانات نگاه کنیم؟
—	
	کاربردهای عکس
۴۱	کت و شلوار عکس
۵۱	عکس‌های عذاب
۵۷	پل استراند
۶۵	کاربردهای عکس
—	
	لحظه‌های زیسته
۸۳	بدوی و حرفه‌ای
۸۹	میله و روستایی
۹۹	شکر احمد و جنگل
۱۰۹	لوری و شمال صنعتی
۱۱۹	رالف فازانلا و شهر
۱۲۷	لاتور و اومانیسیم (انسان‌مداری)
۱۳۵	فرانسیس بیکن و والت دیسنی
۱۴۳	رکن ایمان
۱۵۱	بین دو کلمار
۱۵۹	کوره و ژورا
۱۶۹	ترنر و دکان سلمانی
۱۷۷	روثو و حومه‌های پاریس
۱۸۳	مگریت و ناممکن
۱۹۱	هالس و ورشکستگی
۲۰۱	جکومتی
۲۰۷	رومن لورکه
۲۱۵	مزرعه

چرا به حیوانات نگاه کنیم؟

برای جیل آیلو^۱

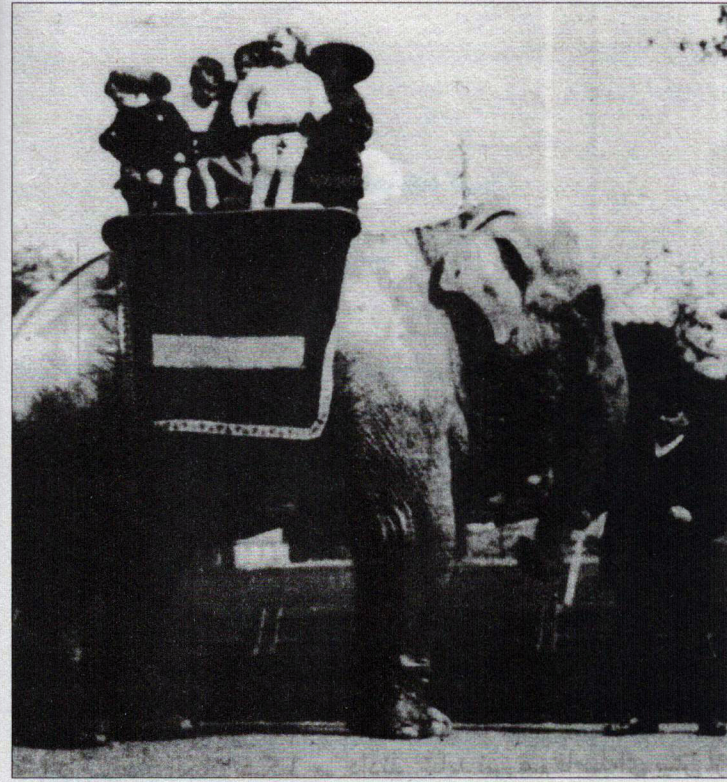
قرن نوزدهم، در اروپای غربی و امریکای شمالی شاهد آغاز روندی بود که امروزه یا سرمایه‌داری شرکتی^۲ قرن بیستمی در حال تکمیل است. همان روندی که باعث شکسته شدن تمامی سنت‌های در گذشته مشترک میان انسان و طبیعت بوده است. حیوانات قبل از این گسستگی نخستین حلقه را در پیرامون انسان

1. Gilles Aillaud

۲. Corporate capitalism، یا سرمایه‌داری مبتنی بر شرکت‌های سهامی. «منظور مرحله‌ای از سرمایه‌داری است که در آن فروش سهام وسیله‌ای برای متشکل ساختن سرمایه‌ها و اعمال کنترل وسیع‌تر بر سرمایه توسط مدیران شرکت سهامی می‌شود...» (ای. ک. هانت، *تکامل نمادها و ایدئولوژی‌های اقتصادی*، ترجمه‌ی سهراب بهداد، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، تهران، ۱۳۵۸، پانویس ص ۶۵) — م.

تشکیل می‌دادند. شاید این هم فاصله‌ای بیش از حد را به ذهن آورد. حیوانات در کنار انسان و در مرکز جهان او قرار داشتند. البته، این «هم‌مرکزی» اقتصادی و سازنده بود. انسان، به‌رغم هر تغییری در ابزار تولید و سازمان اجتماعی، برای خوراک، کار، حمل و نقل و پوشاک به حیوانات متکی بود.

با این همه، این فرض که حیوانات در ابتدا به هیئت گوشت یا چرم یا شاخ وارد تخیل انسان شدند، یعنی نسبت دادن نگرشی قرن نوزدهمی به گذشته‌های دور و هزاران هزار سال پیش، حیوانات ابتدا در قالب قاصدان و مواعید وارد تخیل انسان شدند. محض نمونه، اهلی کردن چهارپایان به صورت چشم‌داشت ساده برای تهیه‌ی شیر و گوشت شروع نشد. چهارپایان نقش جادویی داشتند، گاه به صورت سروش غیب و گاه به صورت قربانی. و انتخاب نوعی معین در نقش حیوان جادویی، رام‌شدنی و منبع تغذیه در اصل بر پایه‌ی عادت‌ها، مجاورت و «جاذبه‌ی» حیوان مورد نظر بود.



گاو سفید مادر من است
و ما بستگان خواهرم،
مردم نیاریاوبول^۱ ...
دوست، گاو بزرگ با شاخ‌های کشیده
که همیشه وسط گله نعره می‌کشد
گاو پیر بول مالوا^۲

(نوثر. توصیفی از شیوه‌های معیشت و نهادهای سیاسی قومی ساکن حاشیه‌ی رود نیل، نوشته‌ی اوانس پریچارد)^۳

حیوانات زاده می‌شوند، ادراک دارند و فانی‌اند. در این چیزها به انسان شبیه‌اند. اما در کالبدشناسی سطحی — کم‌تر از کالبدشناسی عمقی — در عادت‌هاشان و زمان‌شان و توانایی‌های جسمانی‌شان با انسان متفاوت‌اند. بدین‌شکل این دو هم به یکدیگر شباهت دارند و هم متفاوت‌اند.

ما می‌دانیم که حیوانات چه می‌کنند و سگ آبی و خرس و ماهی آزاد و سایر موجودات به چه نیاز دارند، چون روزگاری مردهای ما با آن‌ها همسر بودند و این دانش را از زنان حیوان خود به دست آوردند. (نقل قول لوی اشتراوس از بومیان هاوایی در اندیشه‌ی وحشی^۴.)

چشمان حیوان، هنگام نگاه کردن به انسان، بسیار دقیق و محتاط است. همین حیوان ممکن است به سایر موجودات نیز به همین طریق نگاه کند. او نگاهی خاص انسان ندارد. اما هیچ نوع دیگری غیر از انسان، نگاه حیوان را چیزی آشنا تلقی نخواهد کرد. دیگر حیوانات با چنین نگاهی بازداشته می‌شوند. انسان با پاسخ دادن به نگاه از خویشتن آگاه می‌شود.

1. Nyariau Bul
2. Bul Maloa
3. The Nuer: A description of the modes of livelihood and political institutions of a Nilotic people, by Evans-Pritchard.
4. Claude Lévi-Strauss, The Savage Mind